

رابطه ی گرایش های مذهبی با رضایت مندی زناشویی و تعهد در زنان متأهل

آزاده عباسی راد^۱، پانته آ جهانگیر^۲

^۱ * کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی

^{**} گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

پانته آ جهانگیری

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر رابطه بین گرایش های مذهبی با میزان رضایت مندی زناشویی و تعهد زناشویی در زنان متأهل بود. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع همبستگی بود و بر این اساس از میان کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به خانه های سلامت منطقه ۵ شهرداری شهر تهران به روش نمونه گیری تصادفی، ۴۰۰ نفر انتخاب شده و پرسشنامه های گرایش مذهبی آلپورت و راس، رضایت زناشویی انریچ و تعهد زناشویی آدامز و جونز را تکمیل شد. نتایج نشان داد بین رضایت مندی زناشویی و تمامی مؤلفه های آن با جهت گیری درونی و بیرونی، همچنین بین تعهد زناشویی و تمامی مؤلفه های آن با جهت گیری درونی و بیرونی رابطه مثبت وجود دارد. مقدار ضریب رگرسیونی در پیش بینی رضایت زناشویی نیز برای جهت گیری بیرونی برابر با ۰/۳۹۱ و برای جهت گیری درونی برابر با ۰/۳۸۵ می باشد که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار بود و نیز مقدار ضریب رگرسیونی در پیش بینی تعهد زناشویی برای جهت گیری درونی برابر با ۰/۴۶۷ و برای جهت گیری بیرونی برابر با ۰/۳۷۸ می باشد که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است.

کلیدواژه ها: جهت گیری مذهبی، رضایت زناشویی، تعهد زناشویی

مقدمه

رضایت زناشویی یکی از مهمترین تعیین کننده های عملکرد سالم نهاد خانواده می باشد (۱). الیس (۱۹۸۹) رضایت مندی زناشویی را احساس عینی خشنودی، رضایت و لذت زن و شوهر از تمامی روابط خود تعریف می نماید. عوامل متعددی، رضایت زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار می دهد که از آن جمله می توان به رضایت از خلق و خوی همسر (۲،۳)، درآمد و اشتغال همسر (۴) و اعتماد، عشق و تعهد (۵) اشاره کرد.

آماتو (۱۹۹۴) معتقد است که تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائلند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواج شان انگیزه دارند. در خانواده های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می کنند بلکه در رشد و تعالی هر یک از اعضای آن می کوشند (۶). تعهد، به زوجین اجازه می دهد تا به طور مؤثری در برابر خواسته های یکدیگر انعطاف

داشته باشند (۷)، موضوعی که در ازدواج باعث افزایش رضایت از زندگی و رضایت زناشویی و کیفیت آن می شود (۸). تعهد به واسطه ی تجربه ی جذابیت، صورت رفتار شایسته، مناسب و اعتماد ظاهر می شود و به مجرد زیاد شدن آن، روابط پایدار بیشتری پیدا می کند (۹). برانندن و همکاران (۱۰) اضطراب دلبستگی و جنسیت با رضایت از رابطه در پیش بینی رفتارهای مرتبط با اعتقادات و تعهد تعامل داد. از آن جایی که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش های مشابهی را مورد تاکید قرار می دهند، و برای تقویت اجتماعی شدن به هم وابسته هستند، پژوهشگران رابطه نزدیک بین آن دو را پیش بینی می کنند. این جهت گیری منجر به بیان عباراتی از این قبیل گردید که مذهب می تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد (۱۱). نگرش مذهبی می تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزشها است که این ویژگی ها می توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند (۱۲). از سوی دیگر نگرش های افراد خانواده در مورد مذهب، استمرار و انتقال ارزش ها و رفتارهای مذهبی به نسل های دیگر را شکل دهد. از این رو رابطه مذهب و خانواده را می توان یک رابطه اثرگذاری و اثرپذیری در نظر گرفت (۱۳).

اینکه افراد موضوعی مانند ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می نمایند، تأثیر پذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می دهد (۱۴). سامانه های مذهبی متفاوت، احکام، مباحث و رویکرد به زندگی خانوادگی خاص خود را دارند. در اسلام آفرینش زن و مرد از یک خمیر مایه است و آیات نشان می دهد بین آن دو پیوندی الهی وجود دارد که در سایه ازدواج این همبستگی به صورت عهدی محکم در می آید (نساء، ۲۱) و آن دو مایه آرامش (روم، ۲۱) یکدیگر می شوند.

مطالب فوق و مرور پیشینه ی پژوهش بیانگر این است که نگرش های مذهبی می توانند بر میزان تعهد افراد به ازدواج و رابطه ی زناشویی تأثیرگذار باشند و نوسانات تعهد زناشویی را پیش بینی نمایند. از سوی دیگر در اهمیت رضایت زناشویی می توان گفت این امر مهم ترین ملاک تعیین کننده خانواده با عملکرد خوب است (۱)، نقش والدینی را تسهیل می کند (۱۵، ۱۶)، عمر زن و شوهر را طولانی می کند (۱۷) و باعث افزایش سلامت می شود (۱۸) و باعث کنترل خشم می شود (۱۹). در مقابل نارضایتی زناشویی، طلاق را بالا برده (۲۰) و باعث دلبستگی های مسئله ساز می شود (۲۱).

یکی از مهم ترین عواملی که کیفیت زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می دهد سیستم ارزشی و اعتقادی همسران است. تشابه یا تفاوت باورها و ارزش ها زوج، پویایی زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می دهد. این عناصر فرهنگی می تواند ناشی از طبقه، نژاد یا فرایندهای اجتماعی شدن باشد. در میان این عناصر نقش مذهب بسیار مهم است، زیرا مذهب یک سیستم اطلاعاتی است که برای زندگی هدفمند اطلاعات و دانش فراهم می کند. دین به عنوان نظام اعتقادی سازمان یافته همراه با مجموعه ای از آیین ها و اعمال تعریف شده است که تعیین کننده شیوه پاسخ دهی افراد به تجارب زندگی است (۲۲).

پژوهش های بسیاری رابطه بین دینداری زوجین و رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار دادند. به طور مثال فنلون و دنیلسون (۲۳) به نقش دینامیک در رابطه بین وابستگی مذهبی و رضایت زناشویی اشاره می کند. سولیوان (۲۴) نشان داده است که افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی تر به نظر می رسند. هانلرو گنچوز (۱۲) در مطالعه ای که روی زوجین ترکیه ای انجام دادند پس از کنترل متغیرهایی مانند سطح تحصیلات و مدت زمانی که از زندگی زناشویی آنها می گذشت، به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن تأثیر عمده ای بر رضایت زناشویی دارد، اما مذهبی بودن زوجین نمی تواند حل مساله زناشویی را در زوجین افزایش دهد.

کال و هیتون (۱۱) با انجام مطالعه ای بر روی ۴۵۸۷ زن و شوهر به این نتیجه رسیدند که از میان ابعاد مختلف دینداری، حضور در کلیسا بیشترین رابطه را با ثبات زناشویی دارد و اختلاف بین زوجین در مورد حضور در کلیسا، خطر جدایی را افزایش می دهد. این مطالعه همچنین نشان داد زوجینی که به طور منظم با هم به کلیسا می روند، کمترین خطر را برای طلاق دارند. مارگارت، دادلی، فردریش، و کونینسکی (۲۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تجانس مذهبی با همسر و عبادت مهمترین پیش بینی کننده رضایت زناشویی فرد می باشند. همچنین اورتینکال و ونستیوگن (۲۶) در مقایسه زوج هایی که فقط یک بار ازدواج کردند با زوج هایی که چندین بار ازدواج کردند به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن همبستگی مثبت با رضایت و تعهد زناشویی دارد.

با توجه به مطالب بیان شده، روابط چندسویه ی گرایش های مذهبی با رضایت مندی زناشویی و تعهد زناشویی احساس می شود، بر این اساس مقاله حاضر به دنبال بررسی رابطه بین گرایش های مذهبی با میزان رضایت مندی زناشویی و تعهد زناشویی می باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه ی مورد بررسی شامل کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به خانه های سلامت منطقه ۵ شهرداری شهر تهران بود که با توجه به وجود ۲۹ خانه سلامت در منطقه، ۵ خانه سلامت به طور تصادفی انتخاب شده و از این میان با استفاده از فرمول کوکران برای جوامع نامحدود ۳۸۶ نفر به عنوان نمونه برگزیده شدند. جهت

هماهنگ سازی بین خانه های سلامت، تعداد نمونه به ۴۰۰ نمونه افزایش یافته و بر این اساس با مراجعه به هر یک از خانه های سلامت، ۸۰ پرسشنامه با توافق و رضایت آگاهانه تکمیل شد. برای جمع آوری اطلاعات مورد نظر نیز از سه پرسشنامه استاندارد، استفاده شد.

پرسشنامه گرایش مذهبی آلپورت و راس: آلپورت و راس در سال ۱۹۵۰، این مقیاس را برای سنجش جهت گیری های درونی و بیرونی مذهبی تهیه کردند. این مقیاس شامل ۲۱ گزینه بود که ۱۲ گزینه آن به جهت گیری بیرونی و ۹ گزینه آن به جهت گیری درونی اشاره داشت. در مطالعات اولیه ای که صورت گرفت، همبستگی جهت گیری درونی با بیرونی ۰/۲۱ بود. در سال ۱۹۶۳ فگین مقیاس جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی را ساخت و علاوه بر اینکه تمام گزینه های آلپورت را در آن گنجانده، گزینه دیگری هم به این مضمون به آن افزود: «مذهب همان کاری را می کند که عضویت من در گروه دوستان و آشنایان می کند، یعنی کمک می کند که زندگی ام را متعادل و پایدار نگه دارم.» این گزینه همبستگی بالایی (۰/۶۱) را با مقیاس^۱ «E» یعنی برونگرایی داشت. در تعدادی از مطالعات دیگر از جمله مطالعاتی که توسط فگین انجام شد، همبستگی بین گزینه های جهت گیری مذهبی درونی با گزینه های مذهبی بیرونی ۰/۲۰ مشاهده شد که بسیار نزدیک به همبستگی محاسبه شده توسط آلپورت بود. روایی آزمون توسط هاپکینز (۲۰۰۵) ۰/۸۱ به دست آمد. برای سنجش روایی این آزمون در ایران، مقیاس جهت گیری های مذهبی فگین به فارسی ترجمه شد و صحت ترجمه آن با بازخوانی توسط متخصصان دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تصحیح گردید و سپس با بازنویسی های متعدد سعی شد آزمون با بافت فرهنگی و مذهبی ایران متناسب و گزینه ها براساس مقیاس لیکرت تنظیم شود. همسانی درونی این آزمون که توسط جان بزرگی در نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاه های آستان تهران با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، انجام شد ۰/۷۱ و پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۴ بود. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۲ به دست آمد. در این مقیاس گزینه های عبارات ۱ تا ۱۲ که جهت گیری مذهبی بیرونی را می سنجد از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف می باشد. به این صورت که گزینه اول (الف) کاملاً مخالف، گزینه (ب) تقریباً مخالف، گزینه سوم (ج) تقریباً موافق و گزینه چهارم (د) کاملاً موافق را تشکیل می دهد و در ۹ ماده بعدی یعنی شماره های ۱۳ تا ۲۱ که جهت گیری مذهبی درونی را اندازه گیری می کند، پاسخ ها برعکس است یعنی گزینه اول (الف) را کاملاً موافق، گزینه دوم (ب) را تقریباً موافق، گزینه سوم (ج) را تقریباً مخالف و گزینه چهارم (د) را کاملاً مخالف در برمی گیرد.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: اولسون از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نمود و معتقد است که این مقیاس به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد مربوط می شود و همچنین در این خصوص به تغییراتی که در خانواده به وجود می آید حساس است هر یک از موضوع های این پرسشنامه در ارتباط با یکی از زمینه های مهم است. ارزیابی این زمینه ها در درون یک رابطه زناشویی می تواند مشکلات بالقوه زوج ها را توصیف کند یا می تواند زمینه های نیرومندی و تقویت آنها را مشخص نماید. این ابزار همچنین می تواند به عنوان یک ابزار تشخیص برای زوج هایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و بدنبال تقویت رابطه زناشویی شان هستند، استفاده شود. ۱۲ مقیاس این پرسشنامه به این شرح می باشند: ۱. پاسخ قراردادی، ۲. رضایت زناشویی، ۳. موضوعات شخصی، ۴. ارتباط زناشویی، ۵. حل تعارض، ۶. نظارت مالی، ۷. فعالیت های مربوط به اوقات فراغت، ۸. روابط جنسی، ۹. ازدواج و بچه ها، ۱۰. بستگان و دوستان، ۱۱. نقش های مربوط به برابری زن و مرد، ۱۲. جهت گیری عقیدتی. سلیمانیان (۱۳۸۱) در پژوهشی تحت عنوان «(بررسی تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی)» پرسشنامه را بر روی یک گروه ۱۱ نفری اجرا نمود که ضریب اعتبار آن از طریق ضریب آلفا محاسبه شد و عدد ۰/۹۳ بدست آمد. با توجه به زیاد بودن سؤال های پرسشنامه (۱۱۵ سؤال) که موجب خستگی بیش از اندازه آزمودنی ها می شد، فرم کوتاهی از آن تهیه شد. برای این منظور ابتدا همبستگی هر یک از سؤالات با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید. سپس ۴۷ سؤال انتخاب شد که مجدداً ضریب اعتبار فرم ۴۷ سؤالی بر روی یک گروه ۱۱ نفری با استفاده از ضریب آلفا محاسبه گردید که ضریب اعتبار ۰/۹۵ بدست آمد. روش محاسبه اعتبار و روایی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ جهت برآورد میزان رضایت زناشویی در گروه های مطالعه و مقایسه ازدواج ها، استفاده شد. پرسشنامه به صورت پنج گزینه ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است که به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می شود (۳). جیسون (۲۰۰۲) میزان اعتبار این پرسشنامه را به شیوه همسانی درونی آلفای کرونباخ برای مقیاس ها بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۱ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ به دست آورد. در ایران ضریب اعتبار نسخه فارسی پرسشنامه با روش بازآزمایی با فاصله زمانی ۷ تا ۱۰ روز روی گروه ۸۰ نفره به میزان ۰/۹۱ برآورد شده که در سطح خطای یک هزارم معنادار است. یعقوبی (۱۳۷۴) ضریب اعتبار کلی این آزمون را ۰/۸۸ و ضریب اعتبار خرده آزمون ها را بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۱ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر پایایی به شیوه کرونباخ برای مقیاس ها و کل پرسشنامه از ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ متغیر بود (۱۶).

۱. Extrovert

پرسشنامه تعهد زناشویی: میزان پایداری افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه گیری می کند. این پرسشنامه به وسیله آدامز و جونز در سال ۱۹۹۷ تهیه و تدوین شده است و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه گیری می کند. که شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است. مولفه های پرسشنامه شامل: تعهد به همسر (شخصی): سوالات ۱ تا ۱۰، تعهد به ازدواج (اخلاقی): ۱۱ تا ۲۲ و احساس تعهد (ساختاری): ۲۳ تا ۴۴. نمره گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت پنج درجه ای و از کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱ می باشد. سوالات ۲-۴-۶-۷-۹-۱۰-۱۴-۱۵-۱۶-۱۹-۲۰-۲۲ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. آدامز و جونز در ۶ پژوهش گوناگون برای رسیدن به پایایی و روایی پرسشنامه آن را در مورد ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر پرسش با نمره کل پرسشنامه بالا و معنادار بود. پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۲٪ گزارش شد. در ایران نیز در پژوهش زارعی و حسینقلی (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰٪ به دست آمد. در اعتباریابی آزمون توسط (شاه سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸) روایی محتوایی توسط اساتید دانشگاه اصفهان تایید و آلفای کرونباخ ۰/۸۵٪ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز پایایی به شیوه کرونباخ ۰/۷۸٪ به دست آمد.

یافته ها

جدول شماره ۱: ماتریس ضرایب همبستگی بین گرایش های مذهبی با رضایت مندی زناشویی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱- موضوعات شخصی	۱										
۲- ارتباط زناشویی	۰/۴۹**	۱									
۳- حل تعارض	۰/۷۰**	۰/۲۵**	۱								
۴- مدیریت مالی	۰/۵۴**	۰/۸۸**	۰/۳۲**	۱							
۵- فعالیت اوقات فراغت	۰/۸۲**	۰/۱۷**	۰/۶۲**	۰/۲۵**	۱						
۶- روابط جنسی	۰/۴۸**	۰/۸۵**	۰/۳۱**	۰/۹۳**	۰/۲۶**	۱					
۷- فرزندان	۰/۵۵**	۰/۸۷**	۰/۲۷**	۰/۸۹**	۰/۲۵**	۰/۷۸**	۱				
۸- اقوام و دوستان	۰/۸۳**	۰/۳۷**	۰/۶۹**	۰/۴۱**	۰/۸۶**	۰/۴۴**	۰/۳۶**	۱			
۹- رضایت زناشویی	۰/۸۶**	۰/۷۹**	۰/۶۵**	۰/۸۴**	۰/۶۷**	۰/۸۲**	۰/۸۰**	۰/۷۹**	۱		
۱۰- جهت گیری درونی	۰/۴۶**	۰/۴۸**	۰/۴۴**	۰/۵۳**	۰/۳۵**	۰/۵۴**	۰/۵۲**	۰/۵۰**	۰/۶۱**	۱	
۱۱- جهت گیری بیرونی	۰/۶۶**	۰/۳۴**	۰/۶۶**	۰/۴۴**	۰/۴۸**	۰/۴۰**	۰/۳۸**	۰/۵۵**	۰/۶۲**	۰/۵۹**	۱

* معنی داری در سطح ۰/۰۵ ** معنی داری در سطح ۰/۰۱

نتایج همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان رضایت مندی زناشویی و مولفه های آن با گرایش های مذهبی آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، ضریب همبستگی بین رضایت مندی زناشویی و تمامی مولفه های آن با جهت گیری درونی و بیرونی مثبت و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. با توجه به مثبت بودن ضرایب بدست آمده می توان گفت بین رضایت مندی با گرایش های مذهبی ارتباط مستقیم وجود دارد و زنان دارای گرایش های مذهبی بیشتر از رضایت مندی زناشویی بالاتری برخوردارند.

جدول شماره ۲: ماتریس ضرایب همبستگی بین گرایش های مذهبی با تعهد زناشویی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- تعهد شخصی	۱					

۲-تعهد اخلاقی	۰/۷۸۹**	۱				
۳-تعهد ساختاری	۰/۷۲۲**	۰/۸۶۴**	۱			
۴-تعهد زناشویی	۰/۸۲۱**	۰/۹۴۲**	۰/۹۷۷**	۱		
۵-جهت گیری درونی	۰/۸۵۰**	۰/۶۵۵**	۰/۶۱۳**	۰/۶۹۲**	۱	
۶-جهت گیری بیرونی	۰/۶۵۹**	۰/۵۷۱**	۰/۶۳۸**	۰/۶۵۷**	۰/۵۹۷**	۱
* معنی داری در سطح ۰/۰۵ **معنی داری در سطح ۰/۰۱						

نتایج همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان تعهد زناشویی و مولفه های آن با گرایش های مذهبی آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، ضریب همبستگی بین تعهد زناشویی و تمامی مولفه های آن با جهت گیری درونی و بیرونی مثبت و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. با توجه به مثبت بودن ضرایب بدست آمده می توان گفت بین تعهد زناشویی با گرایش های مذهبی ارتباط مستقیم وجود دارد و زنان دارای گرایش های مذهبی بیشتر از تعهد زناشویی بالاتری برخوردارند.

جدول شماره ۳: تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی رضایت زناشویی از طریق گرایش های مذهبی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		t	سطح معنی داری	شاخص های هم خطی	
	B	خطای استاندارد	Beta	شده			Tolerance	VIF
ثابت	۱۴/۰۰۸	۱/۰۷۳			۱۳/۰۶۰	۰/۰۱		
جهت گیری بیرونی	۰/۵۵۷	۰/۰۶۴	۰/۳۹۱		۸/۶۸۳	۰/۰۱	۰/۶۴۴	۱/۵۵۳
جهت گیری درونی	۰/۱۷۹	۰/۰۲۱	۰/۳۸۵		۸/۵۴۱	۰/۰۱	۰/۶۴۴	۱/۵۵۳

مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای جهت گیری بیرونی برابر با ۰/۳۹۱ و برای جهت گیری درونی برابر با ۰/۳۸۵ می باشد. با توجه به مقدار آماره های t بدست آمده که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار می باشد، لذا نتیجه گرفته می شود که این متغیرها می توانند به شکل معنی داری رضایت زناشویی را پیش بینی نمایند. با توجه به ضرایب بدست آمده می توان گفت افرادی که گرایش های مذهبی بیشتری دارند، از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند.

جدول شماره ۴: تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی تعهد زناشویی از طریق گرایش های مذهبی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		t	سطح معنی داری	شاخص های هم خطی	
	B	خطای استاندارد	Beta	شده			Tolerance	VIF
ثابت	۵۰/۸۷۴	۵/۷۳۴			۸/۸۷۲	۰/۰۱		
جهت گیری بیرونی	۳/۱۶۹	۰/۳۴۳	۰/۳۷۸		۹/۲۳۵	۰/۰۱	۰/۶۴۴	۱/۵۵۳
جهت گیری درونی	۱/۲۷۸	۰/۱۱۲	۰/۴۶۷		۱۱/۳۹۸	۰/۰۱	۰/۶۴۴	۱/۵۵۳

مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای جهت گیری درونی برابر با ۰/۴۶۷ و برای جهت گیری بیرونی برابر با ۰/۳۷۸ می باشد. با توجه به مقدار آماره های t بدست آمده که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار می باشد، لذا نتیجه گرفته می شود که این متغیرها می توانند به شکل معنی داری تعهد زناشویی را پیش بینی نمایند. با توجه به ضرایب بدست آمده می توان گفت افرادی که گرایش های مذهبی بیشتری دارند، از تعهد زناشویی بالاتری برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج همبستگی پیرسون نشان داد بین رضایت مندی زناشویی و تمامی مؤلفه های آن با جهت گیری درونی و بیرونی رابطه مثبت و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است. با توجه به مثبت بودن ضرایب بدست آمده می توان گفت بین رضایت مندی با گرایش های مذهبی ارتباط

مستقیم وجود دارد و زنان دارای گرایش‌های مذهبی بیشتر از رضایت مندی زناشویی بالاتری برخوردارند. همچنین ضریب همبستگی بین تعهد زناشویی و تمامی مؤلفه‌های آن با جهت‌گیری درونی و بیرونی رابطه مثبت و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار بود. با توجه به مثبت بودن ضرایب بدست آمده می‌توان گفت بین تعهد زناشویی با گرایش‌های مذهبی ارتباط مستقیم وجود دارد و زنان دارای گرایش‌های مذهبی بیشتر از تعهد زناشویی بالاتری برخوردارند. این نتایج با نتایج پژوهش‌های کال و هیتون (۱۱)، هانلرو گنچوز (۱۲)، خدایاری فرد و همکاران (۱۳) و سولیوان (۲۴) همسو می‌باشد.

خدایاری فرد و همکاران (۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که بین نگرش مذهبی و رضایت مندی زناشویی رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد. رسولی و سلطانی (۱۳۹۱) نیز بیان داشتند که بین جهت‌گیری مذهبی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. سازگاری زناشویی با مذهب گرای، همبستگی مثبت و با سازمان نیافتگی مذهبی، همبستگی منفی دارد. بین عمل به باورهای دینی و سازگاری زناشویی نیز رابطه وجود دارد. همبستگی عمل به باورهای مذهبی با سازگاری زناشویی، بیشتر از همبستگی جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی است. حسینی نسب، هاشمی و فتوحی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان دادند که جهت‌گیری مذهبی درونی، پیش‌بینی کننده‌ی معنی داری برای متغیر سازگاری زناشویی می‌باشد. همان گونه که بیان شد نتایج این پژوهش‌ها با پژوهش حاضر همسو بود (۱۳).

به عقیده آلپورت (۱۹۶۷) افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند، به تعالیم مذهبشان صادقانه اعتقاد دارند و اعمال مذهبی آنها از عقیده و علم باطنی آنها نشأت می‌گیرد. برعکس افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، برای کسب منافع شخصی رفتار مذهبی نشان می‌دهند. به عبارت دیگر در جهت‌گیری مذهبی بیرونی، مذهب در خدمت نیازها و عقده‌ها و وجوه ناسالم فرد است ولی مذهب درونی با فرد زندگی می‌کند و این طور نیست که او از این مذهب (درونی) استفاده کند. بنابراین زوجین با جهت‌گیری مذهبی درونی در هنگام اختلاف و ناسازگاری، با گذشتی زیبا، دلنشین و بجا همسر و افراد خانواده را مشمول عفو خود می‌سازند (سوره فصلت، آیه ۳۴)، سکوتی حکیمانه اختیار می‌کنند (سوره مریم، آیه ۱۰) یا با تفکر و تعمق راه حل بهتری را انتخاب کرده و در صورت ناسازگاری از کردار خود متأسف و محزون می‌شوند. بنابراین به راحتی هر کدام گناه خود را بر گردن گرفته و در جهت سازگاری قدم بر می‌دارند. ناگفته پیداست چون در جهت‌گیری مذهبی درونی فرد جز خدا چیزی را نمی‌بیند بنابراین با افزایش مذهب درونی، سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد و رفتار و کردار و گفتار فرد با همسرش از روی تفکر و ایمان درونی و در نتیجه برای رضایت از خداوند است. هر رابطه‌ای، بدون تعهد سطحی و ناپایدار است. مذهب بر ماهیت و کیفیت روابط عاشقانه بزرگسالان تأثیرگذار است. بین مذهب و شخصیت زوجین با روابط خانوادگی، عاشقانه و دوستانه ارتباط دو سویه وجود دارد و درواقع مذهب و اعتقادات مذهبی افراد بر میزان رضایت زناشویی آنها و پایبندی به تعهداتشان تأثیرمی‌گذارد. یافته‌های احمدی (۱۳۸۵) بیانگر آن است که تقیدات مذهبی (درونی) در درجه‌ی اول به بهبود روابط و تقویت و تحکیم آن در بین زن و شوهر کمک می‌کند، وظایف والدینی را تسریع می‌کند، به والدین کمک می‌کند تا در زمینه‌ی روش‌های تربیت فرزند با هم توافق داشته باشند، ضمن این که روابط مناسبی با فرزندان خود برقرار نمایند و همچنین موجب می‌شود که زن و شوهر دیدگاه فلسفی و اهداف مشترکی را در زندگی دنبال کنند. در مرتبه‌ی بعد تقیدات مذهبی (درونی) به افراد کمک می‌کند تا اوقات فراغت آنها در پیش خانواده و به همراه خانواده باشد و برنامه‌ریزی مناسب در این زمینه داشته باشند. در درجه‌ی سوم تقیدات مذهبی (درونی) به افراد کمک می‌کند تا تفاوت در سلیقه‌ی یکدیگر را بپذیرند و با آن سازگار شوند، روابط مناسبی با اقوام و دوستان داشته باشند و صله‌ی رحم را در برنامه زندگی خود جای دهند. در درجه چهارم بتوانند تعارضات بین خود و همسر را به خوبی حل کنند، برای درآمد و هزینه‌های خود برنامه‌ریزی کنند و بالاخره در درجه‌ی پنجم روابط جنسی متقابلاً رضایت بخشی داشته باشند و لذا تمامی این ابعاد و درجات، موجب ارتقای تعهد نسبت به زندگی زناشویی می‌شود (۱۵).

نتایج ضریب رگرسیون پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس گرایش‌های مذهبی نیز در این پژوهش نشان داد مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای جهت‌گیری بیرونی برابر با ۰/۳۹۱ و برای جهت‌گیری درونی برابر با ۰/۳۸۵ می‌باشد که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است، بنابراین می‌توان گفت افرادی که گرایش‌های مذهبی بیشتری دارند، از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند و گرایش‌های مذهبی پیش‌بینی کننده‌ی مناسبی برای رضایت مندی زناشویی می‌باشند.

حسینی نسب، هاشمی و فتوحی (۱۳۹۱) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سازگاری زناشویی نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی، پیش‌بینی کننده‌ی معنی داری برای متغیر سازگاری زناشویی می‌باشد. دانش (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری زناشویی نشان داد که جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی رابطه‌ی مثبت دارد و در این رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی بیشتر از جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سازگاری زناشویی رابطه دارد. مارش و دالاس (۲۰۱۵) نیز نشان داد که اعتقادات و باورهای مذهبی اثر بالقوه‌ای بر روی کنترل خشم در وقایع استرس‌زای زندگی و تعارضات و ناسازگاری‌های زناشویی دارد و ارتباط با خدا فاصله‌ای را که بین زوجین وجود دارد پر می‌کند و در نتیجه ارتباطی بین روابط زناشویی و ارتباط با خدا وجود دارد. همچنین مک کویی و مارتین (۲۰۱۴) در نتایج تحقیقات خود اذعان داشتند آن عده از افرادی که گرایش‌های مذهبی بیشتری دارند در

مقیاس های مربوط به کفایت، پیشرفت، عزت نفس و رضایت زناشویی نمره بالاتری را کسب می کنند. نتایج پژوهش حاضر نیز یافته های این پژوهش را تأیید نموده و همسو با آنها بود (۱۰).

مهم ترین عامل از عوامل دینداری در کسب رضایت زناشویی در بین زوجین، دارا بودن گرایش و عواطف دینی همسان و هماهنگ بین زوجین است که این توافق به سهم خود می تواند هماهنگی عاطفی را که یکی از موارد مهم و اساسی در رضایت زناشویی زوجین است، بوجود آورد. علاوه بر آن دینی مشترک و همسان بین زوجین که به باورهای دینی و وجود توافقات شناختی بین زوجین منجر شود، می تواند به رضایت زناشویی بیشتر منتهی گردد. التزام به وظایف دینی و انجام مشترک مناسک مذهبی گوناگون نظیر سوگواری های مذهبی، زیارت مقابر ائمه و امام زاده ها و در کشور ما نیز که اکثر خانواده ها دارای فرهنگ دینی هستند، وجود هر چه بیشتر مشترکات مذهبی، می تواند منجر به رضایت زناشویی گردد. لذا یافته های پژوهش حاضر هماهنگ با سیستم خانوادگی موجود در جامعه ایران است (۱۳).

چندین مطالعه (روس، وستفیلد و انسلی، ۲۰۰۱، پترسونو، هایوورث، ترنر و رسکین، ۲۰۰۰) نشان دادند که مورد توجه قرار دادن باورهای مذهبی در طی مراحل درمان می تواند در بهبود روابط زن و شوهر مفید باشد. بدین صورت که هرگاه، تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می گیرد، مذهب می تواند از طریق مفاهیم معنوی و ارزش های مذهبی مشترک، اختلاف نظر بین افراد را تعدیل کند. تأکید دین بر مفاهیمی مانند تقدس ازدواج، می تواند مسیر حل تعارضات زناشویی را هموار سازد. از این رو درمانگران می توانند نقش باورهای مذهبی و بعد متعالی رابطه زناشویی را طی فرایند حل اختلافات زناشویی مورد توجه قرار دهند (۲۳). لطف آبادی (۱۳۸۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که مردم دارای هویت دینی بسیار نیرومندی هستند. این امر نشان دهنده نیرومندی باورهای دینی در میان مردم کشور ما می باشد. از این رو، درمان گران می توانند از چنین باور و معنویتی به عنوان یک شیوه درمانی در حل اختلافات زناشویی بهره گیرند (۱۳).

علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی تعهد زناشویی زنان بر اساس گرایش های مذهبی نیز نشان داد مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای جهت گیری درونی برابر با ۰/۴۶۷ و برای جهت گیری بیرونی برابر با ۰/۳۷۸ می باشد که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار می باشد، بنابراین می توان گفت افرادی که گرایش های مذهبی بیشتری دارند، از تعهد زناشویی بالاتری برخوردارند و گرایش های مذهبی پیش بینی کننده ی مناسبی برای تعهد زناشویی زنان متأهل می باشد.

تعهد به رابطه را به عنوان واسطه ای برای بخشش، تفاهم در تعیین محل زندگی و آمادگی برای فدا کردن خود برای شریک زندگی می باشد. بنابراین، تعهد را عاملی اصلی برای حفظ رابطه زناشویی می دانند. ارزش های دینی پیش بینی برای تعهد در ازدواج می باشد و دینداری به عنوان یک عامل مهم و کلیدی در افزایش تعهد است. دین ترکیبی از باورها و شیوه های ترویج شده توسط نهاد های مذهبی است که رفتار، نگرش، ارزش ها و باورهای فرد را شکل می دهد. دین بخشی بنیادی از روابط زناشویی بسیاری از زوج ها می باشد که ثبات زناشویی در طول دوره زندگی را تحت تأثیر قرار دهد. سولیوان (۲۴) نشان داده است که افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی تر به نظر می رسند. اورتینکال و ونستیوگن (۲۶) در مقایسه زوج هایی که فقط یک بار ازدواج کردند با زوج هایی که چندین بار ازدواج کردند به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن همبستگی مثبت با رضایت و تعهد زناشویی دارد. مارگارت، دادلی، فردریش، و کونینسکی (۲۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تجانس مذهبی با همسر و عبادت مهمترین پیش بینی کننده تعهد زناشویی فرد می باشند. نتایج پژوهش حاضر نیز با نتایج پژوهش های اورتینکال و ونستیوگن (۲۶) و مارگارت، دادلی، فردریش، و کونینسکی (۲۵) همسو بود.

مذهب راهنمایی هایی کلی در اختیار بشر قرار می دهد که اگر انسان ها بدان ها عمل نمایند منجر به استحکام پیوند زناشویی می گردد. این راهنمایی ها شامل قوانینی در مورد روابط جنسی، نقش های جنسیتی، از خودگذشتگی و حل تعارضات در روابط زناشویی می باشد. یکی از دلایلی که نشان می دهد مذهب می تواند دیدگاه فکری زوجین را تحت تأثیر قرار دهد این است که، احتمال اینکه افراد مذهبی تر ازدواج خود را دارای کیفیتی معنوی ببینند، بیشتر می باشد. مطالعه بر روی ۹۷ زوج، که نماینده تنوع مذهبی زوج های آمریکایی بودند نشان داد که آنها مفهوم تقدس را در مورد ازدواج خود به کار می برند. بدین معنی که غالباً چنین تصور می کردند که ازدواج آنها محتوایی معنوی دارد. بنابراین به نظر می رسد اگر زوجین به طور عمیق به معنوی بودن ازدواج خود اعتقاد داشته باشند، مشاجرات دائم می تواند ترس روانی از دست دادن رابطه با خداوند و احساس گناه را با خود به همراه داشته باشد، از این رو سعی در مواظبت از زندگی مشترک خود داشته و لذا تعهد آنان نسبت به زندگی زناشویی افزایش می یابد.

این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش ها با محدودیت هایی مواجه بود. که بر این اساس می توان به لیکرت بودن پرسش نامه ها اشاره نمود که موجب کاهش رغبت آزمودنی ها برای پاسخ می شد و همچنین عدم کنترل متغیرهای مزاحم مانند فرهنگ، محیط اجتماعی و... نیز از دیگر محدودیت های پیش روی پژوهش حاضر بود. بر این اساس پیشنهاد می شود بررسی مقایسه ای با توجه به متغیرهای پیش بین تعدیل کننده مانند سطح اجتماعی و اقتصادی و... با همین عنوان صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می شود بررسی مقایسه ای بر روی مردان

متأهل با همین عنوان صورت گیرد. انجام پژوهش در جوامع دیگر با فرهنگ های دیگر و مقایسه نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر و نیز پژوهش همه گیرشناسی با موضوع رضایت و تعهد زناشویی در زوجین نیز می تواند مفید باشد.

سپاسگزاری

از کلیه کسانی که در این پژوهش یاری رساندند از جمله مدیران و مسئولین خانه های سلامت و مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، کمال تشکر و سپاسگزاری را داریم.

منابع

1. Greef, A. P. (2012). Characteristics of families that function well. *Journal of Family Issues*, 21, 948-962.
2. Blum, J. S., & Mehrabian, A. (2011). Personality and temperament correlates of marital satisfaction. *Journal of Personality*; 67, 93-125.
3. Naeim M, Rezaei Sharif A. The efficacy of life skills training on marital adjustment of women for the prevention of domestic violence. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*. 2016;3(2):21-32.
4. Vaijayanthimala, K. (2014). Socio-Economic Heteronomy and Marital Satisfaction. *Journal of Human Ecology*., 15(1), 9-11.
5. Roizblatt, A., Kaslow, F., Rivera, S., Fuchs, T., Conejero, C., & Zacharias, A. (2013). Long-lasting marriages in Chile. *Contemporary Family Therapy*; 21, 113-129.
6. Harris, V. W. (2011). Context and interaction: A comparison of individuals across various income levels. *Science Context*, 17(4), 48-52.
7. Patterson, J. M. (2012). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and the Family*, 64, 349-360
8. Sabatelli, R. M., & Cecilpigo, E.F. (۲۰۱۰). Relational interdependence and commitment in marriage. *Journal of Marriage and Family*, 47, 931-937.
9. Johnson MP, Caughlin JP, Huston TL. (1996). The tripartite nature of marital commitment: Personal, moral, and structural reasons to stay married. *J Marriage Fam*; 61:160-77.
10. Brandon, T. McDaniel, M. Drouin, J. & Cravens' D. (2017). Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction. *Computers in Human Behavior*. Volume 66, January 2017, Pages 88-95
11. Call, V. R. A., & Heaton, T. B. (2012). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*; 36, 382-392.
12. Hunler, O. S. & Gencoz, T. I. (2012). The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*; 27(1), 123-136.
13. Khodayari Fard, M; Shahabi, R & Zardkhaneh, A(2014). Relationship of Religious Attitude with Marital Satisfaction in Married Students, *Articles of Jihad University*, 12 (8): 11-1
14. Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (2014). Marriage and the spiritual realm: the role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*; 13, 321-338.
15. Abbasi Molid, H(2012). Marital Engagement Relationship with Couples Cultural Values: A Case Study of Southern Khorasan Province, *Eastern Journal of Law Enforcement*, Present Number of Mehr, 14-7.
16. Naeim, M., Aligholizadeh Moghadam, S., Rezaei Sharif, A., Sadeghieh Ahari, S (2017). The Effectiveness of Anger Management Skills Training on Marital Adjustment and Reducing Domestic Violence Against Women in Ardabil. *Annual Conference on Research in Humanities and Social Studies*.
17. Coombs, R. H. (2011). Marital status and personal well-beings: A literature review. *Family Relations*, 40, 97-120.
18. Demo, D.H., & Alan, C.A. (2006). Single Hood Marriage and Remarriage: The Effects of Family Structure and Family Relationships on Mothers "Well-Being", *Journal of Family Issues*, 17: 386-407.

19. Goodman MA, Dolahite DC. (2014). How religious couples perceive the influence of God in their marriage. *Rev Relig Res*; 48(2): 141—155.
20. Sayers, S. L., Kohn, C. S., & Fresco, D. M.(2011). Marital conflict and depression in the context of marital discord. *Cognitive Therapy and Research*, 25(6), 713-732.
21. Hawkins, D. N., & Booth, A. (2010). Unhappily ever after: Effects of long-term, lowquality marriages on well-being. *Social Forces*, 84(1), 451-471.
22. Zulling, K. J., Ward, R. M., & Horn, T. (2013). The association between perceived spirituality, religiosity and life satisfaction: The mediating role of self-rated health. *Social Indicators Research*, 79, 255-274.
23. Fenelon' A. & Danielsen' S. (2016). Leaving my religion: Understanding the relationship between religious disaffiliation, health, and well-being. *Social Science Research* Volume 57, May 2016, Pages 49-62
24. Sullivan, T. (2013). Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 610-628.
25. Margaret, G. Dudley, and Frederic, A. & Konsinski, J. (2011). Religiosity and marital satisfaction: A research note. *Review of Religiosity Research*. 32(1); 78-86.
26. Orathinkal, J. & Vansteewegen, A. (2011). Religiosity and Marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 28; 497-504